

The capacities of civilization in the Qur’anic story of Hazrat Adam, peace be upon him

Rouhollah Saeidi Fazel * 10.22034/JKSL.2023.361755.1154 

Hasan Kharaghani ** 20.1001.1.27833356.1402.4.1.4.5 

Mohammad Ebrahim Roshan Zamir***

Received: 2022/10/12

Accepted: 2023/05/17

Abstract

Civilization is the emergence of a process of purposeful and systematic progress in one or more societies based on a clear way of thinking that takes a meaningful and disciplined form and brings the society to the desired destination. Therefore, civilization has a fundamental and deep relationship with religion, and the sending of divine prophets and their guidance shows this relationship. Examining the goals of the Prophets in the Holy Quran and their practical life shows the foundation of monotheistic civilization in order to generalize religious knowledge and human progress in material and spiritual spheres. This research is based on the assumption that in the story of Adam, peace be upon him, as the father of mankind, the capacities and frameworks of the first civilization are hidden, and paying attention to it will lead today's confused man to the reconstruction of religious civilization. These capacities can be considered in two parts: internal and external capacities for the benefit of divine leaders and the religious community. The present article has extracted the civilization-building capacities in the Qur’anic biography and story of Adam, peace be upon him, with the analytical-descriptive method and using library resources, in order to present it as a model for today's efforts in this field. The results show that the inner capacities of Prophet Adam, peace be upon him, include the benefit of divine knowledge and divine caliphate, knowledge of enemies, the ability to endure hardships, and repentance. This part is in connection with the external level of the story of Prophet Adam, peace be upon him, which includes the regulation of clothing, management of structures and religious rituals with the title of “son of Adam

Key words:The Holy Qur’an, Prophet Adam “peace be upon him’, civilization, caliph-atee

*. Doctoral student of Quranic and Hadith sciences, Razavi University of Islamic Sciences
rouhollahfazel@hotmail.com

** Member of the Faculty of Quranic Sciences and Hadith of Razavi University of Islamic Sciences (The Corresponding Author)
h.kharaghani@gmail.com

*** Member of the Faculty of Quranic Sciences and Hadith of Razavi University of Islamic Sciences
roushan1344@yahoo.com



.This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

البعد الحضاري في القصة القرآنية لحضرة آدم عليه السلام

تاريخ الاستلام: ١٥ صفر ١٤٤٤
تاريخ القبول: ٢٦ شوال ١٤٤٤

روح الله سعبدى فاضل*

حسن خرقاتي**

10.22034/JKSL.2023.361755.1154



محمد ابراهيم روشن ضمير***

20.1001.1.27833356.1402.4.1.4.5



خلاصة

الحضارة هي تبلور وظهور عملية تطورات هادفة ومنهجية في مجتمع واحد أو أكثر بناءً على طريقة تفكير واضحة تأخذ شكلاً هادفاً ومنضبهاً وتوصل المجتمع إلى الوجهة المنشودة. لذلك فإن الحضارة لها علاقة أساسية وعميقة بالدين تنعكس في إرسال الأنبياء . إن دراسة أهداف الأنبياء في القرآن الكريم وحياتهم العملية يبين أساس الحضارة التوحيدية لتعميم المعرفة الدينية والتقدم البشري في المجالين المادي والروحي. هذا البحث مبني على افتراض أنه في قصة آدم عليه السلام بصفته أباً للبشرية مخفية قدرات وأطر الحضارة الأولى ، والاهتمام بها سيوجه الإنسان المرتبك اليوم إلى إعادة بناء الإنسان. في الحضارة الدينية يمكن النظر إلى هذه القدرات في جزأين القدرات الداخلية والخارجية لصالح القادة الإلهيين والمجتمع الديني. استخلص هذا المقال قدرات بناء الحضارة في السيرة القرآنية وقصة آدم عليه السلام ، بالمنهج التحليلي الوصفي واستخدام مصادر المكتبية ، لتقديمها كنموذج لمجهود حوزة اليوم في هذا المجال. وأظهرت النتائج أن القدرات الداخلية للنبي آدم عليه السلام تشمل نفع العلم والخلافة الإلهية ومعرفة الأعداء والقدرة على تحمل المشقات والتوبة. يتعلق هذا الجزء بالمستوى الخارجي لقصة النبي آدم عليه السلام والذي يتضمن تنظيم اللبس وإدارة الهياكل والطقوس الدينية بعنوان «بنى آدم».

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم - آدم - الحضارة - الخلافة

* طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث من جامعة العلوم الإسلامية الرضوية.

rouhollahfazel@hotmail.com

** عضو هيئة التدريس بقسم علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية (الكاتب الرئيسية)

h.kharaghani@gmail.com

*** عضو هيئة التدريس بقسم علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.

roushan1344@yahoo.com



.This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

ظرفیت‌های تمدن‌سازی در داستان قرآنی حضرت آدم (علیه السلام)



روح الله سعیدی فاضل*

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

حسن خرقانی**

10.22034/JKSL.2023.361755.1154

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

محمد ابراهیم روشن ضمیر***

20.1001.1.27833356.1402.4.1.4.5



چکیده

تمدن، ظهور و بروز فرآیندی پیشرفت‌های هدفمند و نظام‌مند در یک یا چند جامعه بر اساس طرز تفکری روشن است که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه را به مقصد مورد نظر می‌رساند. از این‌رو تمدن رابطه‌ای بنیادین و عمیق با دین داشته که بعثت انبیای الهی و سیر هدایتی ایشان نمایانگر این ارتباط است. بررسی اهداف بعثت انبیا در قرآن کریم و سیره عملی ایشان، نشان از پایه‌گذاری تمدن توحیدی در جهت عمومی‌سازی معارف دینی و پیشرفت انسان در حوزه‌های مادی و معنوی دارد؛ این پژوهش بر این فرض است که در داستان حضرت آدم علیه السلام به عنوان پدر بشریت ظرفیت‌ها و چهارچوب‌های نخستین تمدن‌سازی نهفته است و توجه به آن، انسان سرگشته امروز را به بازسازی تمدن دینی رهنمون می‌سازد. این ظرفیت‌ها را می‌توان در دو بخش ظرفیت‌های درونی و بیرونی برای بهره‌مندی رهبران الهی و جامعه دینی مورد توجه قرار داد. مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ظرفیت‌های تمدن‌سازانه موجود در سیره و داستان قرآنی حضرت آدم علیه السلام را استخراج نموده است تا به‌عنوان الگویی جهت تلاش‌های امروزی در این حوزه معرفی نماید. نتایج، گویای آن است که ظرفیت‌های درونی حضرت آدم علیه السلام شامل بهره‌مندی از علم الهی و خلافت الهی، دشمن‌شناسی، قدرت بر تحمل سختی‌ها و توبه و انابه است. این سطح، در پیوستگی‌تام با سطح بیرونی داستان حضرت آدم علیه السلام است. این سطح با خطاب «بَنِيَّ آدَمَ» شامل تنظیم پوشش، مدیریت سازه‌ها و مناسک دینی است که پیوستگی با سطح درونی عقاید، علایق و رفتارها دارد. انبیای الهی با ساختن سطح درونی بشریت و ولایت‌پذیر نمودن ایشان به‌وسیله ظرفیت‌های درونی خود، بشر را به سمت تمدن‌سازی یعنی خلق اعتباریات و مصنوعات و پیشرفت همه‌جانبه سوق داده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حضرت آدم، تمدن‌سازی، خلافت، اسماء؛ فطرت، سوأه.

* دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی

rouhollahfazel@hotmail.com

** دکترای تخصصی، دانشیار عضو هیئت علمی گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)

h.kharaghani@gmail.com

*** عضو هیئت علمی گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی

roushan1344@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

مقدمه

میل به پیشرفت و تمدن‌سازی، برآمده از فطرت انسانی است و تلاش برای تحقق آن در زمان‌های متمادی، نمایانگر این ادعا است. انسان در مسیر بهبود وضعیت زندگی خود و پیشرفت همه‌جانبه در عرصه‌های فردی و اجتماعی، بی‌وقفه در تلاش است تا علاوه بر توفیقات مادی، توسعه معنوی را رقم زده و احتیاجات ذاتی خود را به‌صورت کامل برطرف سازد. این امر بدون پیروی از الگویی فراگیر در حوزه پیشرفت مادی و معنوی امکان‌پذیر نیست؛ از این‌رو مدل‌های توسعه در عرصه‌های مختلف دوره‌های تاریخی، طراحی و اجرا شده‌اند. دین نیز در کنار برنامه‌های انسانی، برنامه‌ای هدایتی ارائه نموده تا با نظرداشت ابعاد مختلف وجودی انسان، پیشرفت همه‌جانبه انسان را در پرتو تعالیم خود رقم زند. اجرای این الگو در گرو فهم ارتباط دین و تمدن از یک‌سو و دستیابی به نگاهی جامع در تحلیل فرآیند تحقق تمدن دینی از سوی دیگر است. تعریف دین، گستره و کارکرد آن مهم‌ترین مؤلفه‌ایست که فهم ارتباط دین و تمدن را رقم می‌زند. برخی دین را دارای کارکرد منفی و برخی دارای کارکرد مثبت می‌دانند؛ در کارکرد مثبت دین نیز نظریه‌های گستره حداقلی و حداکثری قابل رؤیت است که اتخاذ هرکدام از این مبانی، نتیجه متفاوتی را رقم خواهد زد. این معنا در تحلیل فرآیند تحقق تمدن دینی نیز وجود دارد؛ آن‌گونه که در تحلیل عوامل انسانی، مبانی، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، نماگرها و موارد دیگر، اختلاف دیدگاه سبب تفاوت در طرح الگویی جامع در تحقق پیشرفت‌های هدفمند خواهد شد.

قرآن کریم به‌عنوان آخرین سند هدایت بشر، الگویی جامع در حوزه پیشرفت و تمدن‌سازی ارائه نموده است. تحقق نگاه حداکثری به دین در کلام الهی از یک‌سو و ارائه الگوهایی الهی و خطاناپذیر به نام انبیا از سوی دیگر، فرآیند طراحی و تحقق تمدن و حیانی را ارائه نموده است. بهترین روش کشف الگوی دینی در تمدن‌سازی از منظر قرآن کریم، بازخوانی قصه‌های انبیا در پرتو نگاهی جامع به قرآن کریم است. سرسلسله این تلاش‌ها سیره حضرت آدم علیه السلام است که در قرآن کریم به آن پرداخته شده. تفاوتی که سیره آن حضرت با سایر انبیای الهی در ارائه الگوی تمدنی دارد، تأکید بر گزارش سیره آن حضرت پیش از هبوط است که به دلیل نبود بُعد کلان اجتماعی و عدم وجود اقتضائات لازم، امکان بهره‌برداری از آن در طراحی الگوی پیشرفت و تمدن‌سازی وجود ندارد. سیره آن حضرت با نمایش ظرفیت‌های انسانی از یک سو و خطابات الهی به فرزندان ایشان

از سوی دیگر، بهترین فرصت برای کشف ظرفیت‌های تمدن‌سازی در وجود انسان است که توجه به آن، تمدن‌سازی را تسهیل خواهد نمود. از این‌رو پرسش اصلی پژوهش آن است که ظرفیت‌های تمدن‌سازان در داستان قرآنی حضرت آدم علیه السلام چیست؟ انسان معاصر با شناسایی و توجه به این ظرفیت‌های وجودی اعم از عقاید، اخلاق، رفتار، اعتباریات و مصنوعات، مسیر تمدن‌سازی را خواهد آموخت.

پیرامون موضوع تمدن‌سازی در داستان انبیای الهی نگاشته‌های علمی اعم از کتاب، رساله، پایان‌نامه و مقاله وجود دارد. آثار فراوان پیرامون قصص قرآن که در خصوص داستان‌های انبیای الهی به صورت عام و به‌دور از جهت‌گیری‌های تمدنی نگاشته شده و آثاری که با جهت‌گیری تمدنی، به سیره قرآنی انبیای الهی نگریسته است. مهم‌ترین این آثار عبارت است از: «تدبر در سیره تمدن‌ساز انبیا علیهم السلام» اثر محمد حسین الهی‌زاده. الهی‌زاده در این کتاب به تبیین سیره حضرت آدم، نوح، ابراهیم، یوسف، موسی، سلیمان، عیسی و محمد علیهم السلام پرداخته و مقاطع هشت‌گانه را در تمدن‌سازی بیان نموده است. وی حضرت آدم علیه السلام را فاتح سیر و سلوک الی الله می‌داند. «نقش پیامبران ابراهیمی در تمدن‌سازی» اثر اصغر منتظر القائم و زهرا سلیمانی. این اثر به بررسی سیره تمدنی پیامبران ابراهیمی (حضرت یوسف، موسی، داود، سلیمان و پیامبر اسلام علیهم السلام) پرداخته و گزاره‌هایی همچون دولت و نهادهای سیاسی، امور اقتصادی، آفرینش هنر مدنی و مدیریت فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است. از این اثر مقالاتی مانند تمدن‌سازی انبیای ابراهیمی؛ مدیریت اقتصادی و عدالت اجتماعی استخراج شده و در نشریه «معرفت ادیان» به‌چاپ رسیده است. «پیامبران دولت‌مد، پژوهشی درباره مدل‌های حکومت دینی در قرآن»، نگاشته محمدعلی دیباجی. این اثر به بررسی مدل حکومت دینی در میان انبیای الهی (با محوریت حضرت یوسف، موسی، داود، سلیمان و پیامبر اسلام علیهم السلام) پرداخته است. مقاله «نقش انبیای الهی در تحقق تمدن آرمانی براساس قرآن»، اثر فرزانه روحانی مشهدی. مؤلف در این مقاله به دو کارویژه انبیا یعنی جهت‌دار نمودن حیات انسان و تحقق تمدن کوچک آرمانی اشاره نموده است.

پژوهش پیش‌رو با این پیش‌فرض که انبیای الهی هر کدام بخشی از رسالت تمدن‌سازی وحیانی را به‌دوش کشیده‌اند، به تبیین تمدنی داستان حضرت آدم علیه السلام پرداخته است. از این جهت با آثار پیش‌گفته در دو جهت تمایز دارد؛ اول آنکه به سیره تمدنی آدم علیه السلام پرداخته، حال آن‌که آثار ذکر شده یا فاقد آن بوده و یا با این رویکرد بدان



نپرداخته‌اند. از سوی دوم به بررسی ظرفیت‌های تمدن‌ساز حضرت آدم علیه السلام پرداخته است. از آن‌جا که بیشتر داستان قرآنی آدم علیه السلام پیش از هبوط ایشان بوده و الگوسازی از داستان ایشان به دلیل عدم اجتماعی بودن دستاوردها، امکان‌پذیر نیست، ظرفیت‌های وجودی آن حضرت که توجه به آن موجب تجدید حیات تمدن دینی خواهد شد، اولویت یافته و این پژوهش بدان پرداخته است.

تمدن‌پژوهان در تعریف اصطلاحی تمدن، چهار رویکرد انسان محور، فرهنگ محور، تاریخ محور و جامعه محور (حسینی، ۱۳۹۳، ش ۲: ۴۵-۲۱) را برگزیده‌اند که هرکدام دارای اشکال است. تمدن تنها برآمده از فعالیت‌های انسانی نیست، بلکه عوامل دیگری همچون متافیزیک، محیط، تاریخ و مانند آن نیز در پیدایش تمدن تأثیرگذار است. پیکره تمدن‌ها نه تنها از حوزه فرهنگ، برتر و فراتر می‌رود که شامل تمامی جوانب سیاسی، اقتصادی و اخلاقی در یک جامعه و جوامع گوناگون می‌شود. جدای از این، فرهنگ‌ها برخلاف تمدن‌ها همواره جنبه فراملی ندارند. تاریخ، بستری بس فراتر از تمدن در پیش‌روی آن قرار می‌دهد. تمدن‌ها در بستری تاریخی شکل می‌گیرند و به معنایی، محصول بشری تاریخ‌اند و به همین دلیل تمدن‌های گوناگون دارای تاریخ‌های گوناگون می‌شوند و همه این مقوله‌ها در نمونه تمدن جهانی امروز نیز جاری و ساری است. دامنه‌های هر تمدن فراتر از قلمروهای یک جامعه بوده و همچنین نفوذ و تأثیرگذاری تمدن‌ها به مراتب بیش‌تر از یک جامعه، محدود به حدود جغرافیایی، ملی و ملیتی ویژه‌ای نیست.

به‌نظر می‌رسد دال مرکزی در تعریف تمدن، عنصر پیشرفت همه‌جانبه است؛ البته پیشرفت با ویژگی‌هایی همچون ظهور یا عینیت‌یافتگی، فرآیندی بودن، هدفمندی و نظام مندی، برآمده از جهان‌بینی خاص، معناداری و انضباط حلقه‌های پیشرفت و فقدان محدودیت مکانی. در این صورت می‌توان در تعریف تمدن این‌گونه نوشت: «ظهور و بروز فرآیندی پیشرفت‌های هدفمند و نظام‌مند در یک یا چند جامعه بر اساس طرز تفکری روشن، که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه را به مقصد مورد نظر می‌رساند» (غلامی، ۱۳۹۶: ۳۱).

داستان قرآنی حضرت آدم علیه السلام ظرفیت‌های وجودی انسان را توصیف نموده که به عنوان عامل اصلی تمدن‌سازی امکان بهرمندی از این ظرفیت‌ها را داراست. از این رو، این مقاله به دنبال تبیین این ظرفیت‌ها می‌باشد.

۱. تمدن‌سازی و حیانی انبیا

در بسیاری از نظریات تمدنی، دین به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار یا غائب است و یا به‌عنوان یک عامل فرعی و متأخر از عامل اساسی و محوری، به‌عنوان نتیجه و محصول آن در نظر گرفته شده است؛ حال آن که بسیاری از تمدن‌های بزرگ بشری مانند تمدن‌های بودایی، برهمایی، بیزانسی، اسلامی و مانند آن، اساساً دینی بوده‌اند (حسن، ۱۴۱۰، ش ۶۲: ۲۶). صرف نظر از کسانی که در فرایند پیدایش تمدن، جایگاه و نقشی برای دین قائل نبوده و نامی از آن به میان نیاورده‌اند و افراد معدودی که نقش منفی برای دین قائلند، اندیشمندان بسیاری بر این باورند که دین، عنصر محوری در ساخت یک تمدن است و غالب تمدن‌ها بر محور یک دین شکل گرفته‌اند (توین بی، ۱۳۷۹، ش ۷: ۲۲-۲۳؛ دوران، ۱۳۹۶، ج: ۱؛ ۴۰؛ بن نبی، ۱۴۲۰: ۴۹-۵۰).

قرآن کریم با ذکر مبانی تمدن‌سازی و تبیین لزوم دستیابی به حاکمیت دین جهت هدایت تامه و عمومی مردم، انبیای الهی را کارگزاران اصلی این تمدن و حیانی معرفی نموده و مراحل ساخت این تمدن و شکوفایی آن را بیان می‌کند. طبعاً تمدن‌سازی امری دستوری و مقطعی نبوده و تکمیل فرآیند آن نیازمند گذشت زمان و شکوفایی حلقه‌های مختلف آن است. انبیای الهی با اتصال به منبع لایزال الهی، علاوه بر بهره‌مندی از تعالیم تکوینی، در معرض عنایات ویژه الهی قرار داشته و دارای اتصال دائمی به وحی بوده‌اند. بدیهی است این ظرفیت بالفعل با توانمندی‌های انبیای الهی، در کنار شرایط و اقتضائات عصری و موقعیت جغرافیایی، نوع فعالیت در زمینه تمدن‌سازی را دستخوش فراز و فرودهایی نموده است.

تحلیل عملکرد انبیا علیهم السلام، تابع شناخت اهداف بعثت ایشان است؛ به این معنا که غایتمندی افعال ایشان، تحلیلی واقع‌گرایانه از رفتار و فرآیند دعوت و هدایت ایشان به دست می‌دهد که می‌تواند در فهم تمدنی از فعالیت‌های انبیای الهی تأثیری بلاواسطه داشته باشد. فلسفه بعثت انبیا در قرآن کریم گاه به صورت جمعی و گاه فردی مورد تبیین قرار گرفته است. به‌طور کلی تکامل انسان در پرتو اصلاح عقیده، اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی را می‌توان وجه جمعی برای این مطلب در نظر گرفت. هدایت مردم (بقره: ۳۸؛ طه: ۱۲۳)، دعوت به توحید و دوری از شرک و طاغوت (نحل: ۳۶؛ انبیا: ۲۵؛ نوح: ۳؛ هود: ۵۰ و ۶۱)، دعوت به معاد (انعام: ۱۳۰؛ غافر: ۱۵؛ مؤمنون: ۳۵-۳۷)، تعلیم کتاب و



حکمت (بقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۱۲۴)، دعوت به تزکیه و تقوا (شعراء: ۱۰۶، ۱۲۴ و ۱۶۰)، آزادسازی انسان‌ها از غل و زنجیر بردگی نفس و بدی‌ها (اعراف: ۱۵۷)، اتمام حجت (نساء: ۱۶۵؛ انعام: ۱۵۷-۱۵۵؛ مائده: ۱۹)، فراهم ساختن زمینه‌ی برپایی قسط و عدالت در جامعه (حدید: ۲۵)، اصلاح تحریف‌ها و رفع اختلافات دینی (مائده: ۱۵؛ بقره: ۷۹؛ بقره: ۲۱۳)، تذکر (اعراف: ۶۹؛ غاشیه: ۲۱)، انذار و تبشیر (فاطر: ۲۴؛ بقره: ۲۱۳) و مبارزه با ظلم و فساد (شعراء: ۱۸۱-۱۸۳؛ اعراف: ۸۰-۸۱) از جمله هدف‌گذاری‌های قرآن در خصوص ارسال انبیای الهی است. علاوه بر آن در خصوص انبیای اولوالعزم، اقامه دین و عدم تفرقه در آن را هدف تشریح الهی دانسته است (شوری: ۱۳). در تمامی این اهداف، علاوه بر اصلاح و تکامل نظام باورها، در تمایلات و رفتارهای انسانی، بیش از توجه به بُعد فردی، بُعد اجتماعی غلبه یافته است.

با این وجود می‌توان به این نتیجه رسید که غایت تکامل انسان، دستیابی به مقام خلافت الهی بوده که از طریق اصلاح نظام باورها، تمایلات و رفتارها به دست می‌آید. خداوند متعال در آیات پایانی سوره هود، هدف دیگری از خلقت را بیان نموده که به عقیده راقم این سطور، فرآیند دستیابی به تکامل انسان و در نهایت مقام خلافت الهی است. قرآن کریم در سوره مبارکه هود به سرگذشت انبیای الهی همچون حضرت نوح، هود، ابراهیم، لوط و شعیب پرداخته است (هود: ۱۱۸-۱۱۹).^۱ خداوند متعال در این آیه شریفه غایت خلقت را دستیابی به کمال و شناخت حق دانسته، که خود، دخول در امت واحده و ساخت امتی است که با وجود اختلافات، به زیست اجتماعی مشترک متناسب با مقصد مشترک رسیده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۹۸). همچنین در آیه ۹۲ سوره انبیا بعد از بیان سرگذشت و چالش‌های ایشان در مسیر تکامل انسان، خطاب به تمام بشریت، آن‌ها را امت واحده‌ای معرفی نموده که بر محور توحید عبودی حرکت می‌کنند.^۲

۲. شاخص‌های ایجاد تمدن

کنش‌های انسانی از معانی درونی تا مصنوعات بیرونی را در برمی‌گیرد. عقاید، علائق، رفتارها، اعتباریات و مصنوعات را می‌توان مجموع این کنش‌ها به حساب آورد. این وجوه کنشگری به دو سطح «توجه انسانی» و «تمدن انسانی» قابل تقسیم است. «توجه» به سه مرحله عقاید، علائق و رفتارها و «تمدن» به دو مرحله اعتباریات و مصنوعات مربوط

۱. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ۗ ۱۱۸ إِلَّا مَن رَّجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.»
 ۲. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون.»

می‌شود (پورکیانی، ۱۴۰۱: ۲۱). تفاوت این دو سطح در این است که توجه انسانی به جهان درون انسان معطوف است و تمدن انسانی به ساختن جهان بیرون از انسان اشاره دارد. توجه، قلمرو انفسی انسان است و تمدن، قلمرو آفاقی اوست. هر عقیده، گرایش و رفتاری در ذهن، قلب یا اندام انسان محقق می‌شود و وجه درونی دارد، ولی اعتباریات و مصنوعات بیرون از انسان را نشانه گرفته و تغییر می‌دهد. بنابراین تمدن لزوماً بالابردن تعداد و سازه‌های تمدنی نیست، بلکه به تناسب سازه‌های تمدنی، با تفکر می‌اندیشد و این تناسب گاهی با سادگی سازه‌ها حاصل می‌شود نه پیچیدگی و ارتفاع آن‌ها. از این‌رو در تمدن‌سازی، پیوند میان لایه‌های گوناگون جامعه انسانی از عقاید تا مصنوعات لازم است. تمدن، پیوندگاهی است که بیرونی‌ترین سطوح زندگی را به باطنی‌ترین آن وصل می‌کند (پورکیانی، ۱۴۰۱: ۲۵) و رابطه‌ای طرفینی میان این دو برقرار می‌نماید. بنابراین تحقق تمدن طراز، به بیشترین تناسب میان توجه انسانی و تمدن اوست. از این‌رو در نگاه دینی شاخص تمدن‌سازی تنها رشد و پیشرفت کمی در ابعاد مادی و معنوی نیست، بلکه تناسب لایه‌های وجود انسانی نیز در برسازی این مهم تأثیر بسزایی دارند. انبیای الهی این سطح از تمدن‌سازی را در دو جنبه مذکور پی‌گرفته و علاوه بر رشد و ارتقای جهان‌بینی بشریت از الحاد و کفر به ایمان و معنویت، رابطه وثیقی میان این لایه و ساخت تمدن آفریده‌اند.

۳. ظرفیت‌های داستان قرآنی حضرت آدم علیه السلام در تمدن‌سازی

بررسی داستان قرآنی حضرت آدم علیه السلام به عنوان اولین فرستاده الهی، از آن‌جا اهمیت یافته که شروع سیر هدایت عمومی از ایشان بوده است. بررسی داستان حضرت آدم علیه السلام نشان‌دهنده آن است که آن حضرت یکی از عوامل تمدن‌سازی الهی در میان انبیای الهی بوده است؛ اما بیان داستان آن حضرت در قرآن کریم در ارائه عقاید، علایق و رفتار خلاصه شده است که می‌توان آن را ظرفیتی برای رهبران الهی دانست. داستان آدم علیه السلام به سطح دوم یعنی اعتباریات و مصنوعات که بُعد بیرونی در تمدن‌سازی است اشاره ندارد؛ این ادعا از دو جهت قابل اثبات است: جهت اول آن‌که تمدن‌سازی در واحد کلان اجتماعی محقق می‌شود حال آن‌که این امر در زمان آدم علیه السلام وجود نداشته و جهت دوم آن‌که قرآن کریم ماجرای پیش از هبوط حضرت آدم علیه السلام را روایت نموده که طبعاً در سیر تمدن‌سازی قرار نمی‌گیرد؛ چراکه از یک‌سو وجهه این دنیایی نداشته و با سطح کلان اجتماعی



مواجه نیست. قرآن کریم علی‌رغم آن‌که در سوره‌های متعدد به ذکر نام آدم و داستان خلقت ایشان و اتفاقات پیش از هبوط پرداخته، به سیره قرآنی ایشان پس از هبوط اشاره نفرموده است. لذا به صراحت می‌توان گفت: آن‌چه از سیره قرآنی آن حضرت در رابطه با تمدن‌سازی قابل استحصال است، در دو حوزه اهمیت دارد:

۱. ظرفیت‌های حضرت آدم و خلقت او در خصوص تمدن‌سازی با اشاره به داستان پیش از هبوط؛

۲. پایه‌گذاری حرکت رشد انسان و شروع سیر تعالی فردی.

حوزه اول را قرآن کریم روایت نموده اما حوزه دوم در سایر منابع همچون منابع روایی ذکر شده است. خطابات قرآن کریم در داستان حضرت آدم علیه السلام در دو سطح خطاب خاص و عام قابل توصیف است. مراد از خطاب خاص، روایت داستان حضرت آدم و اعطای نعماتی به آن حضرت بوده که به سایر پیامبران نیز انتقال یافته و دلالت بر ظرفیت‌های پیامبران الهی در تمدن‌سازی دارد. همه موارد ذکر شده در سطح «توجه انسانی» است و از سوی دیگر خطاب عام با ذکر «بَنِي آدَمَ» است که ظرفیت‌های تمدن‌سازی را در اجتماع و عموم مردم تبیین می‌نماید. این ظرفیت‌ها در دو لایه توجه انسانی و تمدن انسانی قابل بررسی است.

۳-۱. ظرفیت‌های تمدن‌سازانه داستان حضرت آدم برای انبیای الهی

همانگونه که بیان شد، سطح «توجه انسانی» که همان لایه درونی انسان است، در داستان حضرت آدم علیه السلام بیان شده است. ظرفیت‌هایی همچون علم و تعلیم الهی، خلافت آدم علیه السلام، دشمن‌شناسی، قدرت بر تحمل سختی‌ها و توبه و انابه از جمله مواردی است که شکل دهنده عقاید، گرایش‌ها و رفتارهای ایشان است که ظرفیتی بزرگ برای انبیای الهی را فراهم نموده تا با پشتوانه آن زمینه تحقق لایه بیرونی یعنی خلق مصنوعات و اعتباریات متناسب با ظرفیت‌های الهی ذکر شده را فراهم آورد.

۳-۱-۱. علم و تعلیم الهی

خداوند متعال در داستان حضرت آدم به موضوع تعلیم اسما از یک سو و صلاحیت آن حضرت برای خلافت الهی از سوی دیگر اشاره می‌نماید (بقره: ۳۱-۳۳). آنچه صلاحیت خلافت الهی را برای حضرت آدم علیه السلام ایجاد نموده، تعلیم اسمای الهی است. مفسران نسبت به تعلیم اسما، آرای مختلفی را ذکر نموده‌اند که این اختلاف ناشی از عدم

تصریح قرآن به متعلق تعلیم و اختلاف روایاتی است که در ذیل آیه شریفه بیان شده است. برخی مراد از تعلیم اسما را تعلیم نام همه اشیا و کارکرد آن‌ها ذکر نموده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج: ۳۲؛ قمی، ۱۴۰۴، ج: ۱؛ صفار، ۱۴۰۴، ۸۳-۸۶؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج: ۱؛ ۴۴۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج: ۱؛ ۱۲۶)؛ برخی دیگر تعلیم اسما را به تعلیم نام حجت‌ها و اولیای الهی تفسیر کرده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ۱۳).

در برخی دیگر از روایات، تعلیم نام انبیا، اولیا و نیز دشمنان ایشان، مراد اسما دانسته شده است (ابطحی اصفهانی، ۱۴۰۹: ۲۷). برخی از مفسران همچون ابن عباس و سعید بن جبیر، مراد از اسما را نام تمام نعمت‌ها، اصول و رموز کشاورزی، درختکاری و تمام امور مربوط به دین و دنیا دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج: ۱؛ ۱۸۰). تمام لغات و زبان‌ها (طبرسی، ۱۴۰۸: ۲؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج: ۱؛ ۱۳۸)، نام ملائکه و فرزندان آدم (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۳۰۹)، فواید و کارآیی حیوانات (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱؛ ۳۰۹)، معانی نام‌ها (طوسی، ۱۳۶۵، ج: ۱؛ ۱۳۹)، حقایق همه اجناسی که در عالم آفریده شده (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج: ۲؛ ۳۲۰)، موجوداتی عالی که خداوند جهان را به برکت آن‌ها خلق کرد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج: ۱۱۷-۱۱۸) و علم اسرار آفرینش (مکارم شیرازی و دیگران، ج: ۱؛ ۱۷۸) دیگر تفسیرهای صورت گرفته در این باره است. در هر صورت و با پذیرش هر یک از اقوال، می‌توان نسبت آن را با تمدن‌سازی معین نمود. علم، یکی از مؤلفه‌های اصلی تمدن‌سازی است که این امر در خلقت حضرت آدم علیه السلام و انبیای دیگر نهادینه شده و توسط خداوند متعال به او آموزش داده شده است. این بدان معناست که آدم و سایر انبیا، وارث علم الهی در حوزه‌های مادی و معنوی بوده و با بهره‌گیری از آن می‌توانند زمینه‌های پیشرفت را در جامعه خود ایجاد نمایند. ظرفیت علم الهی، امکان تمدن‌سازی و حیوانی را ایجاد نموده و آن را به پیش می‌برد. بدیهی است که تعلیم الهی به انبیا، به معنای به‌ودیعیه گذاردن ظرفیتی اساسی برای ایجاد قوانین و نظامات اجتماعی و پدید آوردن مصنوعات است که ریشه در همین علم دارند.

طبق آیه شریفه ۵۸ سوره مریم پیامبران همگی از نسل آدم بوده و آدم مبدأ پیدایش بشر است. بدون شک، این نسل وارث علم الهی بوده و تفضیل آدم بر ملائکه منحصر در ایشان نمی‌باشد. انبیا کسانی هستند که طبق سنت استخلاف، جایگزین یکدیگر شده و هرکدام حامل این ارث الهی می‌باشند.^۱

۱. ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾.

۱۲-۳. خلافت آدم ﷺ

دومین ظرفیت تمدنی حضرت آدم ﷺ و خلقت ایشان، موضوع خلافت الهی ایشان است. به واسطه تعلیم اسمای الهی، آدم ﷺ شایسته خلافت الهی گردید.

مفسران در مقصود از این خلافت و ملاک آن، متفق نیستند. به گفته ابن عباس، ساکنان نخست زمین، جنیانی اهل فساد و خونریز بودند و خداوند آدم را جایگزین آنان کرد (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱، ۲۸۸). برخی آدم را جانشین فرشتگان در زمین می‌دانند (طوسی، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۱۳۱). به نظر حسن بصری، مقصود از خلیفه، فرزندان آدم است که جانشین پدر شده و نسلی پس از نسلی جانشین یکدیگر می‌شوند (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱، ۲۸۸). گروهی نیز معتقدند آدم، جانشین انسان‌های پیش از خود است که بر روی زمین می‌زیسته و نسلشان منقرض شده است (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج: ۱، ۲۵۸). آنچه اکثر قریب به اتفاق مفسران پذیرفته‌اند، این است که در این آیه، سخن از جانشینی انسان (آدم و اولاد او) از خداوند است (طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱، ۲۸۸). علامه طباطبایی فرزندان آدم را با وی در این خلافت شریک دانسته و در تأیید این نظریه، به آیات ۶۹ اعراف، ۱۴ یونس و ۶۲ نمل استناد کرده است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج: ۱، ۱۱۶). جمعی برآنند که مقام جانشینی خدا، با کفر، گناه و غیره سازگار نیست و آن را مختص به آدم، انبیا و جانشینان پیامبران دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج: ۱، ۱۲۴). به گفته زمخشری، آلوسی و بیضاوی، مقصود از جانشینی آدم، این است که او و همه پیامبران، جانشین خدا در زمین‌اند (زمخشری، ۱۴۱۸، ج: ۱، ۸۱؛ ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۵۱). همه آیات قرآن کریم یک سره تفسیر مقام خلافت الهی و تشریح خصایص خلافت الهی اوست و هم از این روست که تنها آیه خلافت انسان را به لحاظ اهمیت، می‌توان هم‌تای همه آیات قرآن دانست؛ زیرا هدف همه آیات این است که انسان متکامل، به کمال نهایی بار یابد و به مقام منیع خلافت الهی نایل گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج: ۱۴، ۲۸۰).

مجموعه صفات خاص انسان باعث می‌شوند دارای منزلت و مقام خلافت خاص الهی در جهان هستی باشد و تاج سروری موجودات را بر سر داشته و جانشین خدا بر روی زمین گردد. از سوی دیگر، صفات مزبور، هم برای خود انسان شخصیت خاصی را شکل می‌دهند و هم نسبت و مسؤولیت ویژه او را با دیگر موجودات هستی دقیق‌تر تعریف می‌کنند. برای مثال؛ خلافت الهی نشان می‌دهد که نه تنها دیگر موجودات نسبت به انسان در جایگاه دوم و دارای نقش فرعی هستند، بلکه هستی آن‌ها به طریقی وامدار هستی انسان است؛ طوری که گویا آن‌ها امکانات متنوعی هستند که برای زمینه‌سازی تجلی این

خلافت و تحقق کمالات انسان آفریده شده‌اند. در واقع، بدون فرض وجود او، وجودشان چندان توجیه‌پذیر نیست، بلکه با نظر به انسان تعریف می‌گردند؛ زیرا ابزارها و آلات نیل انسان به کمالات الهی هستند. آیات متعددی در این زمینه وجود دارند که به طرق گوناگون نتیجه خلافت الهی انسان را نسبت با دیگر مخلوقات نشان می‌دهند (قربانی، ۱۳۹۵، ج ۷: ۲۴-۲۶).

از مهم‌ترین نتایج و لوازم خلافت الهی انسان این است که هستی، شأن و مقام خلافت الهی او تنها در کنار خدا، یعنی در پرتو الطاف الهی معنی می‌یابد؛ نه این که انسان به قدرت و مقامی دست یافته است که می‌تواند به جای خدا نقش او را ایفا نماید. به عبارت دیگر، نمایندگی شأن و منزلت الهی انسان، همه اعتباری بوده و از سوی خدا به او داده شده است؛ لذا اصالت حقیقی از آن خداست و اوست که آفریننده و مالک کل هستی است و انسان در نسبت با خدا هیچ اصلاتی از خود ندارد؛ بلکه تنها در مقایسه با دیگر مخلوقات الهی، به واسطه امتیازاتی که خدا به او بخشیده، دارای اصالت است. پس خلافت الهی انسان هیچگاه با اصالت ذاتی انسان در مقابل خدا سازگار نیست، بلکه پذیرش عبودیت حق و استفاده از مواهب او، برای نیل به کمالات حقیقی است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۴: ۲۸۰).

از آثار بسیار مهم مترتب بر خلافت الهی انسان، دریافت اجازه الهی برای استفاده از تمامی نعمات و مخلوقات خداوند و تسخیر آن از سوی آدمی است که در الگوی اسلامی پیشرفت نقش مهمی دارد. یعنی انسان در پرتو عنایت الهی اجازه یافته تا مخلوقات هستی را برای پیشرفت و تعالی مادی و معنوی خود مورد بهره‌برداری قرار دهد. این حقیقت به کرات و در آیات متعددی از قرآن با تعبیر گوناگون بیان شده است (بقره: ۲۲؛ لقمان: ۲۰؛ غافر: ۶۱ و ۶۴؛ ملک: ۱۵؛ ابراهیم: ۳۲-۳۳؛ نحل: ۱۲ و ۱۴؛ جاثیه: ۱۳-۱۲).

از آن‌جا که آدم ﷺ تحت تعلیم الهی بوده و خلیفه‌ی خدا بر روی زمین است، این شرایط در او تحقق یافته، جز اینکه در قرآن کریم خبری از مواجهه وی با اجتماع بیان نشده است. از بیان قرآن کریم در مورد فرزندان آدم ﷺ نیز این نکته به چشم می‌آید که تحقق تام پیشرفت مادی و معنوی رقم نخورده و گرفتار اشکالات اساسی است.

۳-۱-۳. شناخت دشمن

شاید بتوان یکی از ظرفیت‌های تمدن‌سازی حضرت آدم ﷺ را شناساندن دشمن و راه‌های دشمنی او پیش از هبوط معرفی نمود (اعراف: ۲۷). انسان طعم زندگی در بهشت



را چشیده و عامل دوری او از این نعمت الهی شیطان است؛ شیطانی که با حيله و نیرنگ، آدم را از بهشت خارج نمود و او را گرفتار هبوط کرد. این ظرفیت شناختی به خلفای الهی و به طور کلی انسان، این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با شیطان به تجربه‌ای که در طول تاریخ تکامل یافته عنایت داشته و با او مقابله کنند تا بهشت دنیایی و اخروی را برای خود رقم بزند.^۱

۳-۱-۴. نمایش ملکوت انسان

چهارمین مورد از ظرفیت‌های تمدنی سیره قرآنی حضرت آدم علیه السلام، اعطای قدرت بر تحمل سختی‌هاست. خداوند متعال پس از آفرینش انسان، او را در بهشت مسکن داد و پس از مدتی در اثر انتخاب آن حضرت، هبوط صورت پذیرفت. خداوند صفات آن منزلگاه را در آیات ۱۱۸-۱۱۹ سوره طه ذکر می‌کند.^۲ آنچه از آیات به دست می‌آید زیست ابتدایی آدم در رفاه و آسایشی بوده که پس از آن با وسوسه شیطان از میان رفته است. خداوند از این‌که آدم از بهشت خارج شود هشدار داده و او را از عواقب آن مطلع می‌سازد (طه: ۱۱۷).^۳ انسان با فطرتی حاصل از زیست در چنان مسکنی به دنبال بازگشت به آن و تحقق پیشرفت در زندگی دنیایی است. خداوند متعال نیز در ادامه این آیات و در یک توصیه کلی به انسان دلیل ارسال انبیا را همان بیان می‌نماید (طه: ۱۱۷). طبق آیه ۱۱۷ سوره طه راه گریز از بدبختی‌ها در پرتو هدایت الهی است. خداوند متعال ثمره پیروی از هادیان خود را توفیقات معنوی و مادی معرفی می‌نماید. اگر کسی از هدایت خداوند بهره‌مند شد، گمراه نشده و گرفتار شقاوت (تعب و رنج در زندگی دنیایی) نمی‌شود. اینکه به طور مطلق فرموده گمراه و شقی نمی‌شود، می‌رساند که هم ضلالت و شقاوت دنیایی از او نفی شده هم شقاوت آخرتی و باید همین طور باشد؛ چون هدایت الهی دین فطری است که خداوند متعال به زبان پیامبران به سوی آن دعوت فرموده و دین فطری عبارت است از مجموع اعتقادات و اعمالی که فطرت آدمی آن را اقتضا می‌کند و جهازاتی که خلقتش بدان مجهز است و به سوی آن دعوت می‌نماید، و معلوم است که سعادت هر چیزی رسیدن به همان اهدافی است که خلقت و جهازات خلقتش تقاضای آن را دارد و به غیر آن، سعادت دیگری ندارد (روم: ۳۰). شیطان نیز از این گرایش فطری انسان به کامل شدن

۱. «يُنَبِّئُ عَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكَمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ بَيْتِهِمَا إِنَّهُ يَرِنُّكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ حَيْثُ لَا تَرْوَنَّهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ».

۲. «إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ».

۳. «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَزَوْجُكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ».

نعمت‌ها و بهره‌مندی از آن بهره برد و وعده جاودانگی، حکومت و تبدیل شدن به ملک را به ایشان داد (طه: ۱۲۰).^۱

مهم آنکه خداوند متعال در آیه بعد به اعراض از یاد خود اشاره نموده و نتیجه آن را «عیش ضنک» می‌داند (طه: ۱۲۴). یکی از نکات آیه شریفه لزوم ذکر دائمی انسان است. یادآوری عهدی که خداوند متعال با انسان بسته و باید به صورت دائمی یادآوری شود. این ذکر، عهد الهی به همراه دارا بودن عزم و اراده عالی و مقابله با معارض‌های طبیعی است که در وجود انسان نهادینه شده و لازمه تمدن‌سازی انسان است. اگر بنا باشد انسان بهشت دنیایی را بازباید، باید این دو مؤلفه را همراه داشته باشد.

۳-۱-۵. توبه و انابه

علاوه بر ظرفیت‌های تمدنی موجود در سیره قرآنی حضرت آدم علیه السلام، پایه‌گذاری رشد انسان با توبه و بازگشت او به سوی خداوند انجام می‌پذیرد. خداوند متعال در موارد متعددی از آیات قرآن کریم به ظرفیت انسان‌سازی استغفار و توبه اشاره نموده است؛ مراد از توبه و استغفار که پیش از این نیز بیان شد، مسبوق به انجام گناه و مخالفت الهی نیست. توبه به معنای رجوع (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج: ۱، ۳۵۷) و استغفار به معنای مصون داشتن از وقوع در هلاکت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹). شاید بتوان یکی از شاخص‌های پیشرفت معنویت را در میزان انابه اجتماعی دانست. خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره لقمان می‌فرماید: «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ». پیروی نمودن از کسانی که پیوسته در حال رجوع به خداوند هستند، تنها راه نجات و سعادت دنیوی و اخروی است. جامعه‌ای که راه این افراد را دنبال نموده و از ایشان پیروی می‌نماید، هیچ‌گزندی از جانب بدخواهان را متحمل نخواهند شد (فضل الله، ۱۴۱۹، ج: ۱۸، ۱۹۴). خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره کهف این بیان را تکمیل نموده و در برابر جامعه‌ای که از راه انابه‌کنندگان پیروی می‌کند، جامعه‌ای را توصیف می‌نماید که از غافلان و کسانی که پیروی از هوای نفس خود کرده‌اند، پیروی می‌کنند.^۲ آفرینش انسان و استقرار او در بهشت و هبوط او با اختیار نمودن زندگی بر روی زمین نشان‌گر آن است که انسان هبوط یافته به دنبال ساخت بهشتی چونان مسکن ابتدایی آدم علیه السلام است و به صورت پیوسته این قوس صعود را طی نموده تا علاوه بر پیشرفت دنیایی، بهشت اخروی را نیز به دست آورد. طبعاً توبه و استغفار این ظرفیت را به انسان

۱. «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى.»

۲. «وَلَا تُطِغْ مِنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ.»



می‌بخشد که با جلب رحمت الهی، زمینه تعالی و تکامل خود و جامعه را فراهم نماید. این توبه نیز با فراهم نمودن شرایط و تلقی کلمات از سوی خداوند برای حضرت آدم فراهم آمد: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَتَ فَتَابَ عَلَيْهَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». در این آیه شریفه بازگشت آدم به سوی خداوند و بازگشت خدا به سوی انسان و در نتیجه آماده‌سازی شرایط جهت اعطای نعمت‌ها یاد شده که به‌نوعی برای سایر انبیا و امت‌های پس از آدم ﷺ الگویی عملی است. در سایر داستان‌های انبیای الهی، انابه و رجوع به خداوند سبب ازدیاد رزق، اولاد و طولانی‌شدن عمر انسان دانسته شده است (هود: ۳).

۳-۲. ظرفیت‌های تمدن سازانه داستان حضرت آدم ﷺ برای جامعه

علاوه بر ظرفیت‌های خاص داستان حضرت آدم ﷺ، ظرفیت‌های تمدن‌سازانه در دو سطح برای جامعه قابل استحصال است. در سطح عقاید، گرایش‌ها و رفتارها، به موضوع ولایت‌پذیری رهبران الهی و عدم ولایت‌پذیری از شیطان اشاره شده و در بخش اعتباریات و مصنوعات که لایه بیرونی انسانی است، از انجام مناسک و تنظیم پوشش سخن رفته است.

خداوند متعال علاوه بر بیان داستان حضرت آدم ﷺ خطاباتی را با عبارت «يٰۤاٰدَمُ» ذکر نموده است. در سوره مبارکه اعراف ضمن چهار خطاب دستوراتی را به بنی آدم بیان نموده که به نوعی پایه‌ای‌ترین ارکان برای ساخت تمدن دینی به‌شمار می‌آیند. این خطابات یعنی خطاب «يٰۤاٰدَمُ» تعمیم خطاب‌های خصوصی است که در آیات دیگر به خود آدم شده است. بلکه اصل داستان مربوط به آدم ﷺ است و در این آیات به عموم فرزندان او تعمیم یافته است. به عقیده علامه طباطبایی اگر این خطاب‌ها را از قصه مورد بحث انتزاع نموده، تعمیم بعد از تخصیص آن را و همچنین تفریع احکام دیگری را که بر آن شده در نظر بگیریم خواهیم دید احکامی که در اینجا به طور اجمال ذکر شده شرایع الهی‌ایست که بدون استتنا در جمیع ادیان الهی وجود داشته است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۸۴).

نکته قابل توجه آن است که این خطاب‌ها کلان‌ترین دلالت‌های اجتماعی را داشته و بدون شک، همه انسان‌ها را در برمی‌گیرد. از این‌رو ظرفیت تمدن‌سازی آن در اوج می‌باشد. موضوعی که در سیره آدم ﷺ پیش از هبوط وجود نداشت.

۳-۲-۱. ظرفیت‌های درونی

۳-۲-۱-۱. ولایت‌پذیری الله و رسولان و عدم ولایت‌پذیری شیطان

پیروی از رهبری واحد، شرط دست‌یافتن به توفیق و پیشرفت همه‌جانبه است. این

اطاعت در گرو، الهی بودن نصب رهبران اجتماعی است. انسان تحت هدایت انبیای الهی اگر دارای تقوا و اصلاح‌گری اجتماعی باشد، ترسی از آینده و حزن و اندوهی از وضعیت فعلی خود نخواهد داشت (اعراف: ۳۵). پرواضح است که نعمت رهبری الهی که از منبع وحی تغذیه می‌شود، سبب پرورش معنوی انسان و رشد اجتماعی او شده، به‌گونه‌ای که هیچ ترس و اندوهی از وضعیت حال و آینده خود نخواهد داشت. از سوی دیگر عدم ولایت‌پذیری شیطان اهمیت یافته و به آن تأکید شده است (اعراف: ۲۷).

یکی از ظرفیت‌های تمدن‌سازی سیره حضرت آدم علیه السلام، شناخت دشمن است. کارکرد شیطان و همکاران او در آوردن لباس تقوا از تن مؤمنان است. از اینجا معلوم می‌شود آن کاری که ابلیس در بهشت با آدم و حوا کرد (کندن لباس برای نمایاندن عورت‌هایشان) تمثیلی است از کندن لباس تقوا که تن همه آدمیان را به سبب فریفته شدن نشان می‌دهد و هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و همین که فریفته او شد، خداوند او را بیرون می‌کند.

این امر نشان‌دهنده آن است که دستیابی به مظاهر حقیقی تمدن، مرتبط با پذیرش و عدم پذیرش مبانی و مبادی فرهنگی - اعتقادی است که نمونه آن را در داستان حضرت آدم علیه السلام می‌توان یافت.

۳-۲-۲. ظرفیت‌های بیرونی

۳-۲-۲-۱: پوشش ظاهری و باطنی

دارا بودن لباس و پوشش یکی از ظرفیت‌های تمدن‌سازی خطابات بنی آدم است (اعراف: ۲۶). با عنایت به این آیه شریفه کارکرد لباس، پوشاندن «سوءاً» بیان شده است. «سوءات» جمع «سوءاً» و به معنای عضوی است که آدمی از برهنه کردن و اظهار آن شرم دارد (فراهیدی، ۲۰۰۷، ج: ۷، ۳۲۸). ظاهر آن است که سوءاً امر باطنی نیست ولی در صورتی که پوشیده شود، اعتدال حاصل می‌گردد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج: ۱۱، ۶۰). خداوند متعال علت وسوسه شیطان را برهنه شدن ایشان و کشف سوءات می‌داند (اعراف: ۲۰؛ طه: ۱۲۱)^۱. خداوند متعال لباس را عاملی بر پوشاندن سوءاً انسان قرار داده است؛ زشتی‌هایی که با وجود لباس کمال یافته و انسان را به اعتلای فردی و اجتماعی می‌رساند. ظاهر امر آن است که پوشاندن لباس بر سوءات نه تنها زشتی آن را از بین می‌برد بلکه آن را تبدیل به

۱. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ؛ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ.»



زینت می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت غرایز طبیعی انسان در صورتی که لباس تقوی بر آن پوشانده شود، پیشرفت آفرین است.

قرآن کریم با ارتقا در مطلب ذکر شده، لباس تقوی را از لباس ظاهری بهتر دانسته و کارکرد آن را پوشاندن عیوب نفسانی ذکر می‌کند. بنابراین، این پوشش، در نیل به پیشرفت اجتماعی ظرفیت آفرین است.

۳-۲-۲: سازه‌ها و مناسک

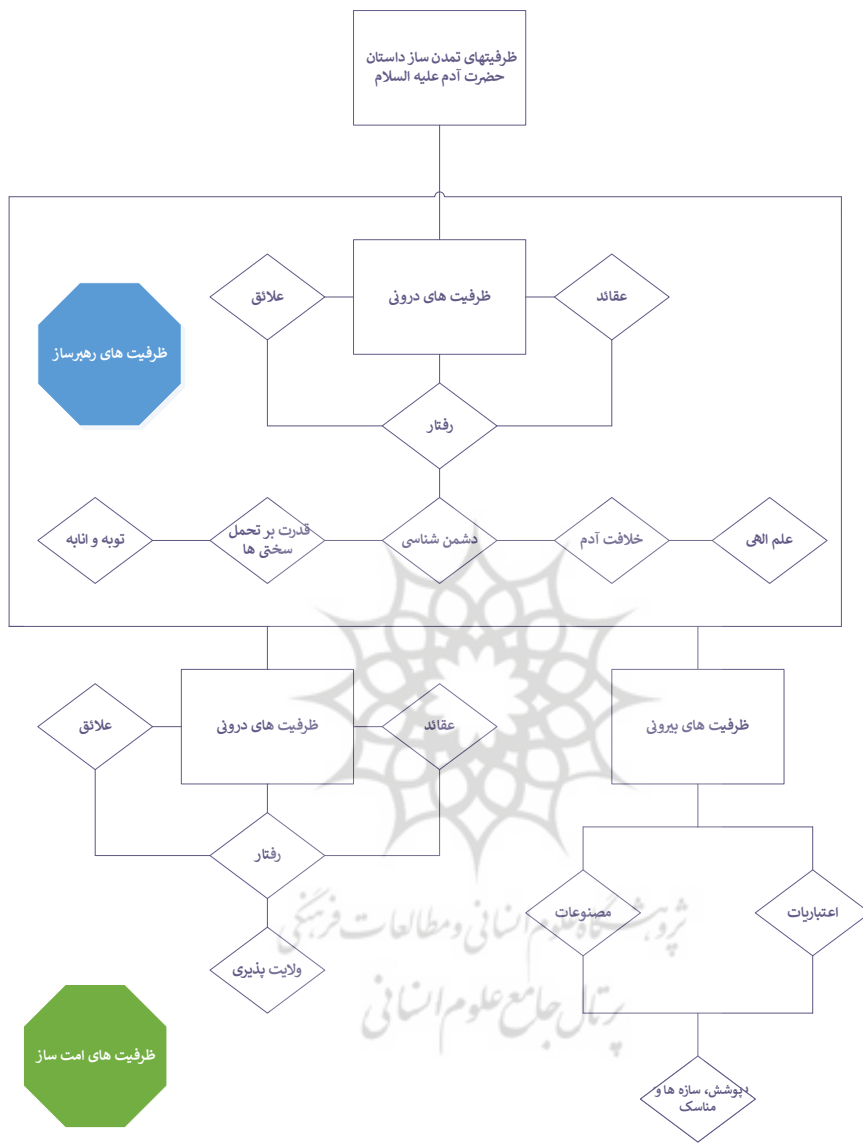
مسجد کانون حرکت الهی انبیا است، از این‌رو تعامل با آن، ضوابط و قواعدی دارد که قرآن کریم به مهم‌ترین آن اشاره می‌نماید (اعراف: ۳۱).^۱ آیه ۳۱ اعراف می‌تواند هم اشاره به زینت‌های جسمانی شامل پوشیدن لباس‌های مرتب، پاک و تمیز، شانه زدن موها، به کار بردن عطر و مانند آن باشد، و هم زینت‌های معنوی، یعنی صفات انسانی، ملکات اخلاقی، پاک‌ی نیت و اخلاص را در برگیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۴۸). این آیه شریفه به دنبال آیات مرتبط با پوشش، آراستگی و زینت را در مکان‌های دینی و مواردی که خلوتگاه انسان و خداست یادآور می‌شود. از آن‌جا که در نگاه دین، مساجد محوریت تمدن‌سازی را داشته‌اند، همراه داشتن زینت و آراسته شدن جسمانی و معنوی، سبب تقویت علقه‌های ایمانی و حرکت اجتماعی منسجم خواهد شد.

در ادامه نیز با طرح موضوع رعایت اعتدال در مشی اقتصادی و سبک زندگی، توصیه به جلوگیری از اسراف و تبذیر می‌نماید. چون طبع زیاده طلب انسان، ممکن است از این دو دستور سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل‌پرستی، اسراف و تبذیر را پیش گیرد، از این‌رو بلافاصله می‌فرماید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».^۲ میان‌روی و اعتدال امری است که خداوند متعال آن را دوست داشته و به آن توصیه نموده است.

۱. «يُنَبِّئُكَ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ».

نتیجه‌گیری

توجه به داستان‌های قرآنی انبیای الهی، سیر تمدن‌سازی وحیانی را مشخص می‌کند. حضرت آدم علیه السلام نقطه آغاز این سیر بوده و استمرار حرکت سایر انبیا مبتنی بر ظرفیت‌های برساخته الهی در آن حضرت است که در وجود ایشان شکوفا شده و اولین قدم را در راستای تمدن‌سازی برداشته است. از آن‌جا که تمدن، پیوند ناگسستنی وجه درونی انسان اعم از عقاید، علایق و رفتارها و وجه بیرونی او اعم از اعتباریات و مصنوعات است، این نقطه شروع با تنظیم سازه‌های درونی انسان محقق شده است. داستان حضرت آدم علیه السلام در قرآن نمایشگر ظرفیت‌های وجودی رهبران الهی در ساخت تمدن است که از یک سو در لایه درونی ایشان ظهور یافته و از سوی دیگر به تنظیم مصنوعات و دستاوردهای اعتباری او با لایه درونی تأکید دارد. ظرفیت‌های تمدن‌سازی در داستان آدم علیه السلام در دو بخش ظرفیت‌های تمدن‌سازانه انبیا و رهبران الهی و ظرفیت‌های تمدن‌سازانه جامعه قابل بهره‌برداری است. در بخش اول خداوند متعال با اعطای علم و خلافت، ظرفیتی را در انبیا ایجاد نموده که سبب پیشرفت همه‌جانبه بشر خواهد شد و با شناساندن دشمن، قدرت بر تحمل سختی‌ها و توبه و انابه حوزه عقیده و گرایش او را تنظیم می‌نماید. سایر انبیا با بهره‌برداری از این ظرفیت به تحقق وجه بیرونی پرداخته‌اند که در خطابات عمومی به بنی آدم نیز تصریح شده است. خداوند متعال در بخش دوم علاوه بر ذکر وظیفه امت اسلامی در ولایت‌پذیری در سطح درونی، تنظیم پوشش، سازه‌ها و مناسک بشری با لایه درونی را توصیه نموده است. بنابراین ظرفیت «توجه انسانی» در وجود انبیا عاملی برای ولایت‌پذیری مردم و شکل‌گیری سطح بیرونی او یعنی تمدن انسانی خواهد بود.



کتاب‌نامه

قرآن کریم

- پورکیانی، محمد، (۱۴۰۱ش)، *درسنامه مطالعات تمدنی*، تهران: سوره، چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۹ش)، *فرهنگ دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء، چاپ اول.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دوم.
- معین، محمد، (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الإعلام الإسلامي، مرکز النشر، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ش)، *کمال الدین و تمام النعمة*، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، چاپ دوم.
- ابوحيان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، صدقی محمد، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، ابراهیم شمس‌الدین، علی عبدالباری عطیه، سناء بزیع شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمية، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۸.
- جابر، حسن، (بی‌تا)، *نظرة فی مسار المخططين الاسلامی و الغربی للحضارة والتاریخ*، مجلة المنطلق، شماره ۶۲، ص ۲۶.
- حصاص، احمد بن علی رازی، (۱۴۱۵ق)، *احکام القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمية، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۴ق)، *الصحاح*، احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت: دار المعرفة.
- زمخشری، جارالله، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، مصطفی حسین احمد و دیگران، بیروت: دار الكتاب العربي، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، تهران: فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۶ش)، *تفسیر القرآن الکریم*، قم: بیدار، چاپ اول.
- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، (ره)، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۵۲ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان*، فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة، چاپ دوم.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، احمد حبیب عاملی، بیروت: دار



إحياء التراث العربي، بی تا.

- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول.
- فضل الله، محمد حسین، (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، طبیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، چاپ اول.
- مدرسی، سیدمحمد تقی، (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران: دار محیی الحسین، چاپ اول.
- وجدی، محمد فرید، (۱۹۷۱م)، *دائرة المعارف القرن العشرين*، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.

• Bruce Mazlish(2011), «Civilization in a Historical and global Perspective”, International Sociology.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی